

دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه ۲۶، نکات برجسته از موزه باستان‌شناسی زیگموند اچ. هورن در دانشگاه اندروز

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جفری هادون هستم در تدریس باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه شماره ۲۶، نکات برجسته از موزه باستان‌شناسی زیگموند اچ. هورن است.

به موزه باستان‌شناسی هورن در برین اسپرینگز، میشیگان در محوطه دانشگاه اندروز خوش آمدید.

می‌خواهم این اثر باستانی مهم را که به نمایش گذاشته‌ایم، به نمایش بگذارم. این در واقع ماکتی از اورشلیم است که بیش از ۱۰۰ سال قدمت دارد.

ما تاریخ ساخت این مدل گچی را حدود سال ۱۸۸۰ تخمین زدیم. حالا، چرا ساخته شد؟ در طول قرن نوزدهم، سفر به سرزمین مقدس تلاشی بود که توسط افراد بسیار ثروتمند و ماجراجو انجام می‌شد. این سفری بسیار خطرناک، پرهزینه و دشوار بود که اغلب منجر به آسیب یا مرگ، چه در اثر خشونت و چه در اثر بیماری، می‌شد.

رفتن به سرزمین مقدس، از برخی جهات، تقریباً به سختی رفتن به ماه امروزی بود. علاوه بر این، در اوایل قرن نوزدهم و قبل از آن، هیچ عکسی برای دیدن و درک شکل زمین و مکان‌ها وجود نداشت. بنابراین، ظهور عکاسی، مثلاً از دهه ۱۸۵۰، کمک شایانی کرد.

اما با این حال، برای اینکه بتوانید نقشه زمین را ببینید و شهر اورشلیم را به طور کلی درک کنید، به چیزی شبیه به این نیاز داشتید. و بنابراین، تعداد مشخصی از این ماکت‌ها، که نمی‌توانستند خیلی زیاد باشند، ساخته شدند و این ماکت‌ها در سمپوزیوم‌ها و نمایشگاه‌های دولتی و رویدادهای بزرگ، رویدادهای عمومی به نمایش گذاشته شدند و مردم می‌توانستند ببینند که اورشلیم در آن زمان چه شکلی بوده است. من اشاره کردم که بهترین حدس ما این است که این ماکت حدود سال ۱۸۸۰، زمانی در دهه ۱۸۸۰، شاید در آن دهه ساخته شده است، زیرا بناهای تاریخی اورشلیم که در دهه ۱۸۹۰ و بعد از آن ساخته شده‌اند، در این ماکت قابل مشاهده نیستند.

این به ما کمک می‌کند تا تاریخ آن را به طور دقیق‌تر به یک بازه زمانی محدود نسبت دهیم. بنابراین، بیابید قدم بزنیم و ببینیم این مدل به ما چه می‌گوید. حتی امروز هم مهم است که مدلی مانند این داشته باشیم که اورشلیم را از ۱۵۰ سال پیش نشان دهد، زیرا توپوگرافی شهر اطراف شهر، و نقشه زمین را به ما نشان می‌دهد.

این مهم است زیرا امروز، همه اینها ساخته شده است. خود شهر قدیمی کم و بیش - به نظرم ۸۰٪ - ۹۰٪ هنوز وجود دارد. اما در خارج از شهر، همه چیز تغییر کرده است.

خب، بیابید از چپ به راست نگاه کنیم و به برخی از ویژگی‌های جغرافیایی و توپوگرافی اشاره کنیم. درست در لبه‌ی مدل، قلعه‌ی کوه زیتون قرار دارد که در واقع یک خط الراس است که از محل فعلی دانشگاه عبری، کوه اسکوپوس، هرهات سوفیت و تپه‌ی فرانسوی امتداد یافته است. و سپس، یک دره‌ی کوچک آنجا وجود دارد، و سپس روی یک خط الراس تا یک شکستگی در خط الراس بین کوه زیتون و کوه شته‌ها امتداد می‌یابد، که دقیقاً همان نقطه‌ی انتهایی در لبه‌ی مدل است.

ضمناً، این مجموعه که اینجا در بالای کوه زیتون قرار دارد، در واقع کلیسای عروج است. باز هم، این بنا توسط ملکه هلنا در قرن چهارم آغاز و ساخته شد؛ به یادبود عروج عیسی از بالای کوه زیتون. در مرکز ماکت، شیب دره هینوم قرار دارد.

و این همچنان از نقشه یا از مدل به تپه شورای شر، همانطور که امروزه نامیده می‌شود، ادامه می‌یابد، خط الراس جنوبی که با افق جنوبی اورشلیم هم‌مرز است. در این سمت نقشه، ابتدای تپه و اثرشد را اینجا دارید که متأسفانه باز هم در مدل گنجانده نشده است. و سپس تا نزدیکی من، درست روبروی من، زمین مرتفعی وجود دارد که از سمت شمالی شهر همچنان بالا می‌آید.

بنابراین دوباره، برای اینکه جهت‌یابی کنیم، این شرق، شمال، غرب و جنوب است. حالا، تا جایی که به دره‌هایی که اینجا داریم می‌رسیم، دره قدرون که از این منطقه شروع می‌شود و سپس تا پایین، ضلع شرقی شهر اورشلیم ادامه می‌یابد، از کنار این تپه جنوب شرقی که ما در مورد آن به عنوان شهر داوود صحبت خواهیم کرد، پایین می‌رود و سپس تا بیابان یهودیه ادامه می‌یابد و دریای مرده را تخلیه می‌کند. دره‌ای وجود دارد که تشخیص آن بسیار دشوار است.

بخش کوچکی از آن که اینجا می‌بینید تیروپئون یا دره مرکزی نامیده می‌شود، و دره پنرسازان در جوزفوس. و این تپه جنوب شرقی را از تپه غربی جدا می‌کرد، و احتمالاً از دروازه دمشق که اینجاست سرچشمه می‌گرفت. بیشتر آن پر شده است.

و همچنین اشاره می‌کنم که همه این دره‌ها در دوران باستان بسیار عمیق‌تر بوده‌اند. باز هم، هزاران سال، استفاده و انباشته شدن آوار، سطح این دره‌ها را بالا آورده است. دره دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم که از اینجا شروع می‌شود، دره هینوم یا گی بن هینوم، دره پسران هینوم است که در امتداد ضلع غربی شهر پیچ و تاب می‌خورد، به سمت شرق انحنا پیدا می‌کند و با دره کیدرون و دره تیروپئون یکی می‌شود و سپس به بیابان یهودیه می‌ریزد.

اینها دره‌های اطراف اورشلیم هستند. همانطور که می‌بینید، اورشلیم از شرق، غرب و جنوب به خوبی محافظت می‌شد. با این حال، در سمت شمال، دره‌ای وجود ندارد که به عنوان خندق یا سنگر عمل کند.

این جایی است که اورشلیم بیشترین آسیب‌پذیری را داشت. بیشتر حملات موفق تاریخ علیه اورشلیم از شمال صورت گرفته است. بسیار خوب، برخی از مکان‌های مهم خارج از شهر قدیمی اورشلیم، آنطور که در سال وجود داشت و هنوز هم وجود دارد، در دره کیدرون قرار دارند ۱۸۸۰.

ما محل آینده کلیسای همه ملت‌ها را داریم که محلی از باغ جتسیمانی در همین مجاورت است. بسیار خوب و همچنین توجه داشته باشید که گورستان عظیمی که امروزه کوه زیتون را پوشانده است، چیزی نمی‌بینید که مربوط به توسعه بعدی باشد، اگرچه کوه زیتون به عنوان گورستان اورشلیم، یکی از گورستان‌های اورشلیم از زمان هزاره دوم قبل از میلاد و احتمالاً قبل از آن، استفاده می‌شده است. مقبره‌هایی در دومینوس فلاویت یافت شده است که قدمت آنها به اواخر عصر برنز برمی‌گردد.

باز هم، زمان خروج یا شاید حتی قبل از آن. اکنون، تپه‌ی جرم اینجاست، و در زیر آن تپه‌ی جرم در این شیب، روستای عرب‌نشین سیلوان قرار دارد. و این همان شیلواه کتاب مقدس است.

باز هم، این مکان در دوره عهد عتیق به عنوان گورستان مورد استفاده قرار می‌گرفت، از جمله مقبره دختر فرعون، مقبره مباشر سلطنتی و سایر مقبره‌هایی که کشف، نقشه‌برداری و منتشر شده‌اند. این مکان نیز رو به تپه جنوب شرقی است. در اینجا است که قدیمی‌ترین بخش اورشلیم، سکونتگاه اولیه اورشلیم، تأسیس شد.

این شهر نه به دلیل ملاحظات توپوگرافی، بلکه به دلیل چشمه جیحون که درست در همین منطقه قرار دارد، در اینجا تأسیس شد. این چشمه منبع آب تنها منبع آب در بخش عمده‌ای از تاریخ اورشلیم بوده و امروز نیز همچنان آب از آن جاری است. و بنابراین سکونتگاه‌های اولیه در اینجا از دوره مس‌سنگی و اوایل دوره برنز وجود داشته‌اند.

آنها خانه‌ای را در شهر داوود پیدا و حفاری کردند که قدمت آن به اوایل دوره برنز، قبل از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، برمی‌گردد. خیلی قدیمی. کاوش‌های اخیر در صد سال گذشته، و حتی اخیراً توسط چندین محقق و باستان‌شناس اسرائیلی، اطلاعات زیادی از این منطقه کشف کرده است، از جمله دیوارهایی از دوره عهد عتیق، به ویژه دیوارهای قرن هشتم و هفتم، دیوارهای دفاعی، و همچنین دیوار بعدی که نحمیا ساخت. زمانی که بازگشتگان از، از آن زمان، پارس، شروع به بازسازی استحکامات اورشلیم کردند.

اینجا، در آن سوی دره تیروپئون، تپه غربی قرار دارد. و این تپه امروزه به اشتباه کوه صهیون نامیده می‌شود. کوه صهیون واقعی، کوه معبد است که چند دقیقه دیگر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

اما این تپه غربی در دوران باستان بخشی از شهر محصور بوده است. و این شهر، یا دیواری که اینجا در شهر قدیمی می‌بینیم و امروز وجود دارد، به سال ۱۵۱۷ برمی‌گردد. بخشی از آن بر روی دیوارهای قدیمی‌تر ساخته شده است، اما بخشی از آن اینطور نیست.

بیشتر دیوارهای اورشلیم از دو قرن آخر عهد عتیق تا زمان فتح مسلمانان شامل این منطقه مرتفع مهم بود که به اشتباه کوه صهیون نامیده می‌شد، در واقع باید تپه غربی نامیده شود. اما تاریخ مهم زیادی در تپه غربی وجود دارد که یکی از آنها مقبره داوود در اینجا و همچنین محل اتاق فوقانی است. و در دهه ۱۹۷۰، خانه قیافا در همین مجاورت کشف شد.

باز هم، مکانی جایگزین برای کلیسای سنت پیتر در گالیکانتو، که در دامنه شرقی کوه صهیون، تپه غربی قرار دارد. اما همچنین برج‌ها و بخش‌هایی از دیوارها در طول این مسیر از کاوش‌های قرن نوزدهم و دوران مدرن‌تر یافت شده‌اند. قدمت این دیوارها به عهد عتیق در دوره سلطنت، مثلاً اوایل قرن هشتم پیش از میلاد، برمی‌گردد.

باشه، ما اینجا می‌آییم. ما اینجا یک استخر بزرگ داریم که هنوز هم وجود دارد. قدمت آن به دوره عهد جدید برمی‌گردد.

سپس ما یک استخر بزرگ دیگر به نام برکت سلطان داریم که عمدتاً در دوره عثمانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، اما مطمئناً می‌تواند خیلی زودتر از آن باشد. شما در اینجا مدل برخی از سکونتگاه‌های اولیه یهودی مانند میشکانوت شان آنیم و یمن موشه را می‌بینید. در همسایگی یمن موشه، موسی مونتفیوره در قرن نوزدهم یک آسیاب بادی برای کمک به آسیاب کردن غلات کشاورزان آنجا ساخت. این یکی از معدود جوامع یا سکونتگاه‌های اولیه است که در قرن نوزدهم در خارج از دیوارهای اورشلیم ساخته شده است.

باز هم، محله روس‌ها توسط زائران روسی هنگام بازدید از اورشلیم برای اقامت استفاده می‌شد. همانطور که می‌بینید، در آن زمان در سال ۱۸۸۰، زمانی که اورشلیم تحت حکومت ترکیه عثمانی بود، ساختمان‌های

زیادی در خارج از دیوار اورشلیم ساخته نشده بود. باز هم، دیوارها هنوز هم در شب برای محافظت از اورشلیم در برابر گروه‌های غارتگر دزدان و راهزنان مورد نیاز بودند.

بنابراین، با نگاهی به خود دیوار اینجا، سعی می‌کنم به برخی از بخش‌های دیوار که در واقع قدیمی‌تر هستند اشاره کنم. به این برج، ارگ یا برج داوود می‌گویند. و یکی از این برج‌ها، این یکی که با انگشت به آن اشاره می‌کنم، در واقع یکی از سه برجی است که توسط هیروودیس و اسلاف حشمونایی‌اش ساخته شده است.

و آنها مریمنه، هیپیکوس و فاسائل نام داشتند. ما نمی‌دانیم کدام یک از اینها اینجا باقی مانده است، اما فقط پایه یک برج هنوز هم قابل مشاهده است. و بعداً با سنگ‌تراشی‌های مختلف بازسازی شد، اما طبقات پایینی آن به وضوح مربوط به دوره هیروودی است.

و اینها در مکانی بسیار استراتژیک ساخته شدند زیرا این مکان گوشه‌ای از چیزی بود که یوسفوس آن را دیوار اول می‌نامید. و همچنین بخش ضعیفی از استحکامات اورشلیم بود زیرا، باز هم، توپوگرافی به سمت آن شیب دارد. بنابراین، به شدت مستحکم شده بود.

دیوار، دیوار اول، در واقع از ارگ در امتداد شیب دره هینوم به پایین امتداد داشت، تپه غربی را احاطه می‌کرد و سپس تپه جنوب شرقی را تا کوه معبد، سکوی دوزنقه‌ای شکل آنجا، احاطه می‌کرد. و سپس مستقیماً از آنجا به سمت بالا، جایی که دره عرضی نامیده می‌شد، امتداد داشت که از این مسیر امتداد داشت. و آن دیوار در ضلع جنوبی آن دره عرضی تا ارگ قرار داشت.

آن دیوار در ابتدا در قرن هشتم پیش از میلاد تکمیل شد و سپس احتمالاً در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن اول پیش از میلاد توسط حشمونائی‌ها بازسازی شد و سپس توسط هیروودیس و بیزانسی‌ها و غیره مورد استفاده قرار گرفت. تا اینکه ویران شد و هرگز بازسازی نشد، یا بیشتر آن هرگز بازسازی نشد. مطمئناً، بخشی که تپه غربی و تپه جنوب شرقی را احاطه کرده است، دوباره شهر داوود نامیده می‌شود.

بنابراین درست در همین مجاورت کلی، اینجا با سه برج هیروود، کاخ هیروود کبیر قرار داشت که اکنون محله ارمنی‌ها است. و آن کاخ در دهه ۱۹۶۰ کاوش شد، متأسفانه بسیار بسیار بد حفظ شده بود، فقط می‌توان گفت در طبقات زیرزمین. اما اینجا، باز هم، محل کاخ هیروود فعلی است.

«Ecce homo»، اخیراً، بحث‌هایی در مورد مکانی که پیلاتس عیسی را به مردم معرفی کرد، مطرح شده است، به معنای «این مرد را ببینید». «و قرن‌ها تصور می‌شد که این اتفاق در این منطقه، در کنار، درست در گوشه گوشه کوه معبد رخ داده است. اما این می‌توانسته، این رویداد همچنین، Via Dolorosa در امتداد می‌توانسته اینجا، بیرون کاخ هیروودیس، اتفاق افتاده باشد.

عیسی از طریق دروازه‌ای اینجا، روی سکوی، به جمعیت اورشلیم در بیرون دیوارها معرفی می‌شد. او در پایین در دره هینوم ایستاده بود. پس آنجا در دره هینوم است.

این یک جایگزین برای مکان سنتی نزدیک خیابان دولوروسا است. بسیار خوب، از اینجا به بعد، من یک شهر را به عنوان یک کل توضیح می‌دهم، و سپس آن را به بخش‌های جداگانه بررسی می‌کنیم. شهری که در این نامیده می‌شود (Reveim) مدل وجود دارد و امروز نیز وجود دارد، چهار محله دارد که به زبان عبری رویم

اولین محله ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم، محله ارمنی‌ها بود که اساساً از دروازه صهیون در اینجا شروع می‌شود و سپس به دروازه یافا می‌رسد که یک محله مربع شکل است. و آن محله، محله ارمنی‌ها و محله

مسیحی ها بود و هنوز هم هست. به عبارت ساده، محله مسیحی ها به محله ارمنی ها متصل می شد و در این منطقه به اینجا می رسید.

و محله مسیحی همچنین شامل کلیسای مقبره مقدس، مقدس ترین مکان در مسیحیت است که هم محل مصلوب شدن و هم محل دفن عیسی مسیح را در بر می گیرد. و سپس ما در اینجا منطقه بزرگی داریم، از جمله کوه معبد که محله مسلمانان محسوب می شود. و این منطقه تقریباً از دروازه دمشق تا دروازه هیروودیس ادامه دارد و شامل کوه معبد می شود که حرم الشریف، نام عربی کوه معبد، نامیده می شود.

و در نهایت، محله یهودی ها باقی می ماند که به تپه معبد مقدس می رسد، که اکنون دیوار غربی است و درست در همین منطقه به محله ارمنی ها می رسد. خب، اینجا همین منطقه است. اینجا کنیسه هوروا است.

یکی از این ها کنیسه ی هوروا است. یادم نیست کدام یک از آن دو گنبد است. و اینجا توجه کنید که محله ی مغاری کاملاً حذف شده است.

این امکان دسترسی به دیوار غربی سکوی معبد، کوه معبد، را فراهم می کند، که البته همان دیوار غربی، ها کوتل، جایی است که یهودیان برای دعا به آنجا می روند. در حال حاضر، این مقدس ترین مکان در یهودیت است. بنابراین، تغییراتی در آنجا وجود دارد، برخی از این ساختمان ها پاکسازی شده اند.

و باید اضافه کنم که بین سال های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷، محله یهودیان توسط اردنی ها ویران شد. بنابراین، پس از آنکه اسرائیل در سال ۱۹۶۷ شهر قدیمی را پس گرفت، کل محله یهودیان را بازسازی کردند. بنابراین، به دلیل جدید بودنش، زیباترین بخش شهر قدیمی، جدیدترین بخش، جدیدترین ساختمان های ساخته شده در شهر قدیمی است.

خب، بیایید کمی در مورد کوه معبد صحبت کنیم. کوه معبد در اینجا یک سکو است، باز هم به شکل دوزنقه، که در شکل نهایی خود توسط هیروود کبیر ساخته شد. و هیروود کبیر، هیچ چیز مانع نیاز هیروود کبیر به گسترش و ساخت مکانی بزرگتر برای گنجاندن تعداد بیشتری از عبادت کنندگان نشد.

او در واقع این ضلع شرقی، یا بهتر است بگویم، ضلع غربی سکو را بر فراز دره مرکزی یا تیروپئون ساخت بنابراین، دره قدیمی تیروپئون در واقع زیر این دره قرار داشت، و او آن را گسترش داد و درست روی آن ساخت و ساز کرد، و سپس آن را با مقدار زیادی خاک پر کرد تا یک سکوی مسطح زیبا برای عبادت کنندگانی که برای عبادت به معبد می آمدند، ایجاد کند. در مرکز این سکو، حرم مسلمانان، قبه الصخره، قرار دارد که سومین مکان مقدس در اسلام است.

ظاهراً این تصویر، جای سم اسب محمد، باراک، را هنگام پریدن به آسمان نشان می دهد. و البته به آن اشاره ای نشده است. ضمناً، اورشلیم اصلاً در قرآن ذکر نشده است. این در حدیث بعدی آمده است، اما با این حال، سومین مکان مقدس در اسلام محسوب می شود.

همانطور که در سخنرانی هایم اشاره کردم، سنگ بستر نمایان آنجا، برش های پایه معبد سلیمان و البته معبد دوم را نشان می دهد. لین ریتمایر، که سال ها به طور گسترده در این مورد مطالعه کرده است، به طور قطعی نشان داده است که اینجا جایی است که معبد قرار داشته است.

بنابراین، محل معابد یهودی، هم معبد سلیمان و هم معبد دوم بعدی، زروباپل، که دوباره توسط هیروود بازسازی شد، درست زیر قبه الصخره قرار دارد. ساختمان دیگر اینجا مسجد الاقصی است. و آن یک مسجد بسیار باستانی مسلمانان است که زمانی بال هایی در دو طرف خود داشت که به شرق و غرب امتداد می یافت.

و این کوچک شده است. اما باز هم، یک مسجد بسیار باستانی، یکی از اولین مساجد مسلمانان، قطعاً در اورشلیم. و باز هم، امروزه همچنان مکانی بسیار مهم برای عبادت هر جمعه است.

بنابراین، این مکان، با بازگشت به عهد جدید، زمان معبد دوم، می‌توانسته محل برگزاری مراسم سلطنتی باشد، جایی که هیرودیس و مهمانان می‌توانستند قربانی‌ها را ببینند و در معبد عبادت کنند. و همه اینها ستون‌بندی شده بوده است. و البته، برخی از آن ستون‌ها و سرستون‌ها و پایه ستون‌ها هنوز وجود دارند.

من نمی‌توانم، نه در آن مکان، اما اینجا می‌توانست جای بسیار بسیار زیبایی باشد. و بعد، دروازه‌ی ورودی به بیرون شهر اینجا یک دروازه‌ی طلایی است، و آن دروازه هنوز هم وجود دارد.

دورش دیوار کشیده شده. اما آنجا، باز هم، محل معبد و محوطه معبد است. خود معبد، و البته قدس‌الاقداص.

اکنون، قلعه رومی آنتونیا کاملاً ریشه کن شده است. در این منطقه، سنگ بستر بریده شده است که می‌توانید ببینید سنگ بستر روی کجا ساخته شده است. خود قلعه کاملاً از بین رفته است.

با طاق بعدی است که قدمت آن به زمان مسیح نمی‌رسد، بلکه به قرن Ecce Homo و البته، این مکانی از دوم میلادی برمی‌گردد و احتمالاً توسط هادریان ساخته شده است و یادبودی از پیلاتس است که عیسی را به مردم معرفی می‌کند. با فرض، فرضاً، او اینجا در قلعه آنتونیا بوده است. باز هم، دیدگاه جایگزین این است که این کار در کاخ هیرودیس انجام شده است.

این کار به طور سنتی در این منطقه انجام می‌شد. کلیسای سنت آن، کلیسای مربوط به دوران جنگ‌های صلیبی است که در وضعیت زیبایی از حفاظت قرار دارد. این کلیسا یادبود خانواده عیسی است، اما در عین حال بسیار نزدیک به استخرهای بتسدا واقع شده است که اندکی پس از این زمان توسط پدران سفیدپوست حفاری شدند و به طور ضعیفی حفاری شده اما در معرض دید قرار گرفته‌اند.

و آن در استخرهای دوقلوی پنج ایوانی بود، جایی که عیسی مرد نابینا یا غیر روحانی را شفا داد. دروازه مدرن یا بهتر است بگوییم دروازه اینجا، دروازه هیروود یا دروازه گل است که هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. و سپس دروازه دمشق وجود دارد که دروازه اصلی به سمت شمال است.

و باز هم، این دروازه‌ها اغلب به نام جاده‌هایی که از آنها خارج می‌شوند، نامگذاری می‌شوند. و این مقصد است. مقصد، جاده‌ای به سمت دمشق است.

یافا، دوباره، جاده‌ای که به یافا در غرب منتهی می‌شود. دروازه صهیون، دوباره، به کوه صهیون اشاره دارد. و سپس دروازه کود در اینجا، جایی که پناهگاه، زیاله‌های شهر، از آنجا بیرون کشیده می‌شد.

حالا، بعد از اینکه این مدل ساخته شد، دروازه دیگری هم به شهر اضافه شد، دروازه جدید، که به مردم اجازه می‌داد خیلی سریع‌تر از عبور از دروازه دمشق یا یافا به محله مسیحی‌ها دسترسی پیدا کنند. و حتی بعداً در حدود ۲۰ سال گذشته، دروازه دانگ بزرگتر شده و یک دروازه عابر پیاده دیگر در نزدیکی آن باز شده است. این دروازه‌های مدرن اورشلیم هستند.

دروازه‌های اورشلیم در کتاب مقدس بسیار پیچیده‌تر هستند. اولین بار به طور کلی در فصل سوم نحمیا ذکر شده‌اند، اما در منابع خاخی نیز آمده است. و اینها، هیچ یک از آنها به جز یکی در امتداد اوفل، در واقع شناسایی نشده‌اند.

خب، باز هم، چند نکته‌ی برجسته‌ی دیگر. این آسایشگاه اتریشی است که در امتداد جاده‌ای که از دروازه‌ی دمشق پایین می‌آید، قرار دارد و مشخصاً در سال ۱۸۸۰ ساخته شده است. گذشته از این، اینها ساختمان‌هایی هستند که عموماً مربوط به دوره‌ی مملوک و عثمانی هستند و نه خیلی قبل‌تر.

اینها اغلب بر روی بقایای اولیه بازسازی می‌شدند، اما آنچه اینجا می‌بینید عموماً مربوط به دوران مملوک و عثمانی است. بنابراین، این نیز ابزاری بسیار مفید برای درک ظاهر اورشلیم در قرن نوزدهم است. این به درک توپوگرافی اطراف اورشلیم و همچنین اشاره به برخی از مکان‌های کتاب مقدس در بستر آنها در آن زمان کمک می‌کند.

بنابراین، از شما به خاطر گوش دادن و لذت بردن از این مدل، همانطور که ما اینجا در دانشگاه اندروز از آن لذت می‌بریم، سپاسگزاریم.

دوباره به موزه هورن خوش آمدید. و اینجا چیزی را دارم که به آن اوبلیسک سیاه می‌گویند.

و این یک کپی از نسخه اصلی است که ما به موزه بریتانیا سفارش داده بودیم و آنها یک کپی دقیق از نسخه اصلی ساختند که دوباره در اختیار آنهاست. این یک ستون سنگی یادبود تقریباً هفت فوتی یا به اصطلاح اوبلیسک است، با یک هرم پلکانی در بالای آن که نوشته‌هایی به خط میخی بین همه این رجیسترها و در امتداد بالای آن قرار دارد. این در سال ۱۸۴۶ پیدا شد، زمانی که هنری آستین لیرد، ماجراجو و باستان‌شناس بریتانیایی، محل نمرود، نمرود نئوآشوری، که به کالا نیز معروف است را کاوش کرد.

و او این را پیدا کرد، و ناگهان، خط میخی به تازگی رمزگشایی شده بود. و این ترجمه شد، این متن ترجمه شد و مشخص شد که بنای یادبودی است که توسط شلمانسر سوم در حدود سال ۱۸، ببخشید، ۸۲۰، حدود پیش از میلاد ساخته شده است. و این یادبود لشکرکشی او در سال ۱۸، ببخشید، ۸۴۱ پیش از میلاد به ۸۲۰ شام است.

شلمنصر سوم بر فراز کوه کرمل در اسرائیل اردو زد و از همه پادشاهان منطقه اطراف، از جمله پادشاه اسرائیل، باج و هدایا دریافت کرد. و من می‌خواهم به دومین مورد در اینجا اشاره کنم که شخصی ریش‌دار را با کلاهی شبیه کلاه ساق بلند نشان می‌دهد که در مقابل شلمنصر سوم که کاسه‌ای در دست دارد، تعظیم می‌کند.

و این پادشاه در متن زیر به عنوان ییهو پسر عمری، پادشاه اسرائیل معرفی شده است. و اگرچه شلمنصر جزئیات را اشتباه گفته است، ییهو، این اولین اشاره و مطمئناً اولین تصویر فیزیکی از یک پادشاه اسرائیل از یک بنای تاریخی معاصر است. ییهو در واقع در همان سال سلسله عمری را در آکوتا-توت سرنگون کرد.

وقتی شلمانسر ظاهر شد، تعظیم کرد و مقام یک رعیت را پذیرفت و هدایایی داد که شرح آنها نیز آمده است. بنابراین، این یک کشف فوق‌العاده مهم و هیجان‌انگیز بود که در آن زمان در سراسر اروپا سر و صدا به پا کرد تا چیزی پیدا شود که در واقع یک پادشاه اسرائیل را در کنار پادشاه آشور به تصویر بکشد. ضمناً، شلمانسر سوم احتمالاً در کتاب هوشع ۱۱ به عنوان شلمان ذکر شده است، کسی که بیت آریل را شکست داد و ویران کرد و مرتکب جنایات وحشتناکی شد که مختص پادشاهان آشوری بود.

اما امروزه یکی از بزرگترین یافته‌های باستان‌شناسی کتاب مقدس باقی مانده است، و بار دیگر متنی از کتاب مقدس را که پُهو و سرنگونی سلسله عمری توسط او را توصیف می‌کند، کاملاً تأیید می‌کند. بسیار سپاسگزارم دوباره به سالن اصلی موزه باستان‌شناسی هورن خوش آمدید.

من در کنارم یک بنای تاریخی بسیار مهم مربوط به عهد عتیق دارم. و این در واقع ستون سنگی مشا یا ستون سنگی موآبی نامیده می‌شود. اصل این ستون سنگی در موزه لوور پاریس است.

ما با موزه لوور تماس گرفتیم و به آنها سفارش دادیم که یک کپی دقیق از نمونه اصلی بسازند، که از آنها دریافت کردیم و امروز اینجا به نمایش گذاشته شده است. سنگ یادبود مشا چیست؟ خب، در سال ۱۸۶۸ یک مبلغ مذهبی انگلیکان به نام فردریک کلاین از دوبان، اردن، که مرکز اردن است، عبور می‌کرد.

این یک شهر باستانی موآبی است، ویرانه‌ها یا تل‌هایی در آنجا وجود دارد. و او با چند بادیه‌نشین ملاقات کرد که این بنای یادبود یا سنگ یادبود را که روی زمین افتاده بود به او نشان دادند. کلاین بلافاصله نوشته‌های باستانی روی سنگ یادبود را تشخیص داد و به اهمیت و جایگاه آن پی برد.

و بنابراین، او از برخی حروف و کلمات کپی گرفت و سپس به اورشلیم بازگشت و اشتباه بزرگی مرتکب شد. و آن اشتباه این بود که یافته‌های خود را به شورای پروس گفت و خواست آن را بخرد. و خبر به سرعت پخش شد.

خیلی زود، همه در اورشلیم، بریتانیایی‌ها، فرانسوی‌ها و پروسی‌ها، می‌خواستند این سنگ یادبود را به دست آورند. بنابراین، بادیه‌نشین‌ها از افراد مختلف پیشنهادهایی برای خرید آن دریافت می‌کردند و جزئیات هنوز مشخص نیست. اما کسی این ایده هوشمندانه را مطرح کرد که شاید این اروپایی‌ها می‌خواستند آن را بخرند زیرا ممکن است چیزی ارزشمند مانند طلا در داخل آن باشد.

و بنابراین آنها این سنگ یادبود را که دوباره از بازالت ساخته شده بود، گرم کردند و آن را تا حد سرخ شدن داغ کردند و سپس آب سرد روی آن ریختند و کل سنگ یادبود را تکه تکه کردند. خب، یک دیپلمات فرانسوی و باستان‌شناس به نام چارلز کلرمون-گونو برگشت و تا جایی که می‌توانست از این قطعات از خانواده‌های مختلف بادیه‌نشین خرید. و در نهایت، با قطعات دیگر از افراد دیگر، توانستم حدود دو سوم کتیبه اصلی را بازسازی کنم.

خوشبختانه، کسی قبل از اینکه بادیه‌نشین آن را از بین ببرد، یک فشار کاغذ ایجاد کرده بود، مقداری کاغذ روی آن گذاشته بود، کاغذ را خیس کرده بود و از کل کتیبه قالب گرفته بود. اما متأسفانه، آن فشار در وضعیت بسیار بدی بود زیرا آنها مجبور شدند آن را به سرعت و به دلیل تهدید بادیه‌نشین‌های دیگر که به سرعت سوار بر اسب یا شتر می‌آمدند، پاره کنند. و او مجبور شد به سرعت از آنجا خارج شود.

بنابراین، او سه تکه کاغذ را در خورجین خود گذاشت و فرار کرد. اما با توجه به آن سه تکه کاغذ فشرده شده و تکه‌ها یا قطعات باقی مانده از سنگ یادبود، متن کم و بیش بازسازی شده بود. حالا، متن چه می‌گوید؟ خب، متن با این جمله شروع می‌شود: من میشا دبوئی هستم.

و این، باز هم، شخصی است که در عهد عتیق شناخته شده است. در کتاب دوم پادشاهان، فصل سوم، میشا پادشاه موآب است و در واقع علیه اسرائیل و یهودا جنگ می‌کند. و در حدود ربع دوم یا بهتر بگوییم ربع سوم قرن نهم، تقریباً در زمان الیاس و الیشع، کمی دیرتر از آن.

اما به زبان موآبی، موفقیت‌های او در شورش علیه اسرائیل را بازگو می‌کند. به یاد داشته باشید که در سال که اوبلیسک سیاه دوباره آن را ثبت می‌کند، بنای یادبود دیگری که در بخش دیگری در مورد آن، ۸۴۱ صحبت کردیم، یهوه سلسله عمری را سرنگون کرد. و هنگامی که این اتفاق افتاد، دوباره، پادشاهی‌های دست نشانده در ماوراء اردن و جاهای دیگر، ضعفی را در قدرت اسرائیل تشخیص دادند.

آنها نیز شورش کردند. مشا توانست چندین شهر اسرائیلی را فتح کند و موآب را به سمت شمال، تا دشت‌های مادبا یا ساحل‌های کتاب مقدس گسترش دهد. از این شهرها و روستاها در ستون سنگی مشا و مصنوعات به دست آمده از آن یاد شده است و در واقع، نام الهی یهوه در آن ذکر شده است.

گفته می‌شود که آتشدان داوود یا آتشدان یهوه گرفته شده است. بنابراین، بسیاری از اطلاعات مهم کتاب مقدس مربوط به متن کتاب مقدس و تاریخ کتاب مقدس، و همچنین نام گادیت، قبیله گاد که دوباره در آنجا ساکن شد، و همچنین بسیاری از نام‌های جغرافیایی، نام‌های بسیاری از شهرها. بنابراین، ستون سنگی مشا تا به امروز یک گواهی فوق‌العاده مهم، گواهی مستقل از متن کتاب مقدس باقی مانده است.

و این، تا حد زیادی، با روایت کتاب مقدس از همان جنگ همسو و به نظر من مکمل آن است. این طولانی‌ترین متن تاریخی است که تاکنون به گویش سامی غربی یافت شده است، که بسیار شبیه به عبری است. عبرانیان و بنی اسرائیل و موآبیان قطعاً می‌توانستند با هم مکالمه و گفتگو کنند.

حالا، بعدها، خیلی بعدتر، حدود سال ۱۹۹۴، آندره لومر، یکی دیگر از کتیبه‌نویسان فرانسوی، خاندان داوود را تشخیص داد، یکی از خطوط زیرین این کتیبه که باز هم تا حدی در کتیبه حفظ شده است. بنابراین، لومر علاوه بر کتیبه تل دن استل که از خاندان داوود نام برده است، آن را اینجا در کتیبه مشا نیز پیدا کرد. و سوالات زیادی در مورد این موضوع، در مورد متن، برخی از اشارات مبهم، به اصطلاح رمزآلود که مشا در اینجا به آنها اشاره کرده است، باقی مانده است که هنوز در تلاش برای فهم و تفسیر آنها هستیم.

بنابراین، تقریباً هر سال، مقالات و مطالعات جدیدی در مورد ستون سنگی مشا منتشر می‌شود. این موضوع بسیار مهم است. باز هم، محققان هنوز اطلاعاتی را که ما را در مورد قرن نهم در شام روشن می‌کند، از این کتیبه بسیار بسیار مهم جمع‌آوری می‌کنند.

خیلی ممنونم. من دکتر جفری هادون هستم و در حال تدریس باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه شماره ۲۶ است، نکات برجسته از موزه باستان‌شناسی زیگموند اچ. هورن ۲۶.